

از گوشه و کنار

۱۶ گرم خانه‌باظر فیت بالای ۵۰ هزار نفر در تهران



مدیرعامل سازمان خدمات اجتماعی شهرداری تهران گفت: در حال حاضر ۱۶ گرم‌خانه (محل تجمع کارتن‌خواب‌ها) در پایتخت با ظرفیت بالای ۵۰ هزار نفر فعال است.

سید نجم‌الدین محمدی اظهار داشت: در حال حاضر ۱۶ گرم‌خانه (محل تجمع کارتن‌خواب‌ها) در شهر تهران فعال است که مهم‌ترین و شلوغ‌ترین گرم‌خانه‌ها در مناطق جنوبی پایتخت قرار دارد.

وی زمان پذیرش کارتن‌خواب‌ها را از ۸ شب تا ۶ صبح اعلام کرد و افزود: شهرداری مجوز نگهداری این افراد در طول شبانه‌روز را ندارد و در هیچ قانونی نیامده که شهرداری می‌تواند از فردی نگهداری کند زیرا تخصص آن در شهرداری وجود ندارد که امیدواریم با اجرای طرح جدید معضلات سابق برطرف شوند. مدیرعامل سازمان خدمات اجتماعی شهرداری تهران ادامه داد: برای ارائه خدمات به کارتن‌خواب‌ها، در سال گذشته اتوبوس‌های سیار پیش‌بینی کردیم که در سال گذشته حدود ۱۵ اتوبوس برای اسکان معناتان کارتن خواب اختصاص داده شد بود و علاوه بر این اتوبوس‌ها، حدود ۳۰ گشت ویژه خدمات اجتماعی در مناطق گشت‌زنی کردند که پس از جمع‌آوری معناتان کارتن خواب، آن‌ها را به گرم‌خانه یا اتوبوس‌های سیار منتقل کردند که امسال هم چنین برنامه‌هایی در دستور کار داریم. به گفته محمدی، فرمانداری تهران طرح جمع‌آوری متکدیان و کارتن‌خواب‌ها را امسال در دستور کار دارد و شهرداری تهران نیز در زمینه اسکان و تجهیزات امکانات لازم با فرمانداری تهران همکاری می‌کند.

سونامی الکل در راه است



احمد شجاعی رئیس پزشکی قانونی کشور می‌گوید: در کل کشور افرادی که بر اثر مصرف الکل متانول فوت کردند ۴۴ نفر بوده است، همیشه چنین چیزی وجود دارد، اما گاهی اوقات سونامی‌هایی وجود دارد که الان شاهد نمونه‌ای از آن هستیم. این موارد اثر معضلات فرهنگی اتفاق می‌افتد. وی ادامه داد: پایین‌ترین آمار مرگ و میر و مسمومیت با اتانول ایران است که در تبه ۱۸۲ در جهان قرار دارد. آن چیزی که مشکل دارد مصرف مشروبات تقابلی به سبب داشتن متانول است، زیرا به صورت قاچاق وارد می‌شود و دست‌ساز ساخته می‌شود و استاندارد هم نیست.

قتل، مهر به راساقط نمی‌کند تکشید



اخیرا خبری خواندیم مبنی بر این که مردی پس از آن که همسرش مهریه‌اش را به اجرا گذاشت، با خودرو او را زیر گرفت و زن را به قتل رساند. فارغ از مباحث مختلفی که می‌توان در رابطه با علل و عوامل بروز حوادث این چنینی داشت این سوال مطرح می‌شود که آیا با قتل زوجه یا حتی مرگ طبیعی او، تکلیف زوج به پرداخت مهریه از بین می‌رود؟ بهمن کشاورز حقوقدان، در پاسخ به این سوال می‌گوید: مهریه دین زوج است و تازمانی که پرداخت شده باشد بر ذمه او مستقر خواهد بود و در صورت فوت زوجه که داین و طلبکار محسوب می‌شود ورثه او طلبکار زوج خواهند بود، بنابراین با قتل و فوت زوجه مهر به ساقط نمی‌شود و وراثت می‌توانند به مطالبه و وصول آن اقدام کنند، ضمناً توجه شود هر چند شوهر خود داخل در وراثت است اما به واسطه قتل از ارث محروم خواهد بود.

تصویری که ما از بدن خود داریم، تصویری «ذهنی» است که ما از بدن فیزیکی خود داریم. تصویر «بدن» بادر یافت‌ها، اندیشه‌ها، احساس‌ها و تجربه‌های بدنی، رابطه مستقیم دارد. در واقع تصویری که ما از بدن خود داریم به آن چه که واقعاً به آن شبیه هستیم مربوط نمی‌شود

«گزینش شده» که نوع پوشش در آن نقش مهمی ایفا می‌کند و بار معنایی عکس بر روی پوشش است، تا ذوق و سلیقه کاربر را نشان بدهند. در این نوع از اجرا، معمولاً «صورت و قیافه» به اشتراک گذاشته نمی‌شود. بدن و پوشش مورد توجه است. چهره در این جا به دلیل پنهان نگه داشته شدنش، اتفاقاً وجهی «یگانه» پیدا کرده است و مدام کنج‌کاو یببیننده را تحریک می‌کند.

فضای مجازی - بدن - عکس

امروزه با وجود فضای مجازی چون اینستاگرام، ارائه روایتی بصری از خود و هویت، یکی از مهم‌ترین ویژگی‌ها و کارکردهای عکس‌ها شده است.

درون یک عکس اینستاپی، چهره و ژست بدنی، بیش از هر چیزی جلب نظر می‌کند. به همین دلیل سهم قابل توجهی از باز نمود خود، در عکس‌ها به «بدن» اختصاص دارد. نمایش بدن به وسیله عکس کارکردی اجتماعی دارد، چرا که مواجهه دیگران، با سوزه درون عکس موجب شکل‌گیری تصویری کلی از آن‌ها می‌شود.

خاتم راوودراد، استاد علوم ارتباطات می‌گوید: امروز عکس بعد و اهمیت جدید پیدا کرده است: مخاطبان شبکه‌های اجتماعی مجازی با فاصله گرفتن از یک تولیدکننده صرف و قرار گرفتن در جایگاه تولیدکننده- مصرف‌کننده، قدرت معنا بخشی و اثرگذاری پیدا کرده‌اند. مخاطبان این شبکه‌ها، نوعی کنشگر ارتباطی هستند که با بهره‌گیری از ویژگی‌ها و قابلیت‌های اینستاگرام، آن‌چه را می‌بینند تأیید، انکار یا تشدید می‌کنند. در این فضا نه تنها «بدن» خصوصیات و ویژگی‌های پیدا می‌کند بلکه نوعی دگر دیسی در نحوه مواجهه افراد با بدنشان اتفاق می‌افتد. فضای مجازی باعث شده، از میزان کاربری خانوادگی عکاسی، کاسته شده و بر میزان کاربری فردی اضافه شود؛ عکس‌ها دیگر ابزاری برای یادآوری نیستند، بلکه وسیله‌ای برای ایجاد ارتباط هستند. وسیله‌ای نه فقط برای به اشتراک گذاشتن خاطره‌ها، بلکه برای به اشتراک گذاری تجارب. اکنون بدن «ظرفی» با توانایی‌ها و خصوصیات ثابت نیست؛ بلکه در پیوند و تعامل با دیگران مدام آفریده و باز آفریده می‌شود.

استفاده کنیم، می‌آموزیم که به گونه‌ای نقش‌های خود را اجرا کنیم که یاد گرفته‌ایم. پس بدن‌های ما بخشی از یک اجرا هستند. اجرایی که دائماً به نمونه‌های پیشین خود اشاره می‌کنند. دکتر راوودراد، درباره این هویت یابی بدنی، می‌گوید: در این اندیشه، هویت و خود در هر دو بافت «واقعی و مجازی» و «آفلاین و آنلاین» ماهیتی نمایشی دارند و بر اساس همین ماهیت نمایشی به چهار دسته تقسیم می‌شوند. چهار دسته‌ای که در میان کاربران ایرانی فضای مجازی نمود بیشتری دارد و البته نقش «عکس» و «عکاسی» در این مورد بسیار مهم است.

اول «بدن اغواگر» را داریم. در این نوع اجرا، بر نمایش اندام‌هایی خاص تأکید می‌شود. اندام‌هایی که بالقوه دارای جاذبه جنسی هستند و به نحوی به تصویر کشیده شده‌اند که این ویژگی در آن‌ها بارز و برجسته شود. این کاربران بر «زیبایی بدن» خود متکی هستند. بنابراین در «عکاسی» از این نوع بدن‌ها معمولاً اغراق انشاق می‌افتد و تلاش می‌شود تمامی بدن یا اندامی خاص در محور عکس قرار بگیرد.

دوم «بدن ورزیده» که باز نمودی است از قدرت، تنومندی و عضلاتی بودن و شامل افرادی می‌شود که به صورت حرفه‌ای ورزش یا بدن‌سازی می‌کنند. این افراد حتی در مورد وزن و قدشان به دیگران اطلاع‌رسانی می‌کنند. در این عکس‌ها، بدن توسط تکنیک‌های عکاسی دست کاری می‌شود. بعضی مولفه‌ها حذف یا برجسته می‌شوند. آرایش مو و صورت در این اجراهای بدنی، اهمیت چندانی ندارد.

سوم «بدن آشکار» است و شامل «عکس»‌های شخصی از لحظه‌ای دل‌انگیز، ثبت خاطره، مطلع کردن دیگران از وقوع یک حادثه و... در این نوع اجراهای بدنی و عکس‌ها، هیچ فرم خاصی از عکاسی رعایت نشده و عکس‌ها به اشتراک گذاشته شده، جلوه بصری خاصی ندارد. اما فرم چهره برای صاحب عکس مهم است و اگر خودش در این عکس خوب نیفتاده باشد، عکس را به اشتراک نمی‌گذارد. حتی اگر موقعیت عکس و اتفاقی که از آن عکاسی شده، برایش مهم باشد. در این جافرد تأثیر گذاریش را مدیریت می‌کند و مراقب است عکس طوری نباشد که مورد قضاوت منفی قرار بگیرد. در «بدن آشکار» معمولاً سوزه عکس لباس رسمی مطابق با مود روز می‌پوشد و از بدن‌نمایی خودداری می‌کند.

و در نهایت با «بدن پنهان» مواجهیم. فرد در این نوع با نمود از بدن، و جوهی از خودش را با استفاده از تکنیک‌های ویژه عکاسی، پنهان می‌کند. در این نوع اجرا، آرایش صحنه مهم است. عکس معمولاً تکی است. به ظاهر بدن اهمیتی داده نمی‌شود اما با موشکافی دقیق متوجه می‌شویم که در این عکس، عنصر مهم و مورد توجه همان «بدن» است. بدنی



بدن یا تخته سیاهی برای خودنمایی

بسترهای ارتباطی امروزی، کارکردی نمایشی دارند. مادر فضای مجازی با بدنی رسانه‌ای مواجه هستیم که نه با خصلت‌های فیزیکی بلکه با ویژگی‌های مجازی تعریف می‌شود. برای ایرانیان، حضور تنانه، یا تن بافته در فضای مجازی و به خصوص اینستاگرام، در اولویت است. آن‌ها در همین فضا، رها از چهار چوب‌های اجتماعی و اجبارها و فشارهای رسمی و حاکمیت، بخش مهمی از هویت خود را با تنانگی نشان می‌دهند.



اندام‌تر و خوش‌سیماترند و در غیر این صورت زشت، چاق، قد کوتاه و... در واقع بدن متنی فرهنگی است؛ بدن نماد و مدل جامعه است که می‌تواند شاخصه‌ای باشد قابل مشاهده برای نظام‌های اجتماعی. زمانی که از تیپ بدنی اجتماعی صحبت می‌کنیم یعنی از باز نمود بدن رسانه‌ای حرف می‌زنیم. بدنی که اطلاعات زیادی در مورد بستر فرهنگی اجتماعی که در آن رشد کرده به بیننده می‌دهد و در عین حال با گرفتن اطلاعات جدید از رسانه، به تغییر و بازنمایی خود به خواست مدل ارائه شده از طریق رسانه ادامه می‌دهد.

بدن - فضای مجازی - رسانه

زندگی اغلب ما بیشتر در فضای مجازی می‌گذرد. در این فضا، علاوه بر خودمان، با اجرا کنندگانی مواجهیم که «خود» را فقط به واسطه بدن‌هایشان تعریف می‌کنند. از طریق بدن به نمایش موارد خواستنی سبک زندگی مشغول‌اند. خاتم راوودراد معتقد است: بسترهای ارتباطی امروزی، کارکردی نمایشی دارند. ما در فضای مجازی با «بدنی رسانه‌ای» مواجه هستیم، که نه با خصلت‌های فیزیکی بلکه با ویژگی‌های مجازی تعریف می‌شود. برای ایرانیان، حضور تنانه، یا تن بافته در فضای مجازی و به خصوص اینستاگرام، در اولویت است. آن‌ها در همین فضا، رها از چهار چوب‌های اجتماعی و اجبارها و فشارهای رسمی و حاکمیت، بخش مهمی از هویت خود را با تنانگی نشان می‌دهند.

است مورد علاقه روان‌شناسان و جامعه‌شناسان. تصویری که ما از بدن خود داریم، تصویری «ذهنی» است که ما از بدن فیزیکی خود داریم. تصویر «بدن» با دریافت‌ها، اندیشه‌ها، احساس‌ها و تجربه‌های بدنی، رابطه مستقیم دارد. در واقع تصویری که ما از بدن خود داریم به آن چه که واقعاً به آن شبیه هستیم مربوط نمی‌شود!

بدن - رسانه - بدن

بدن به نادرست یک پدیده بدیهی به نظر می‌رسد. بدن یک داده ساده و بدون شبهه نیست، بلکه حاصل یک تبیین اجتماعی و فرهنگی است. خاتم راوودراد استاد علوم ارتباطات در ادامه چنین توضیح می‌دهد: بدن، یک تبیین فرهنگی - اجتماعی در ساختار جامعه است. ارتباط ویژه فرد با بدن خود به خصوص به باور هادراکات افکار و احساسات و فعالیت‌های مرتبط با ظاهر فیزیکی فرد مرتبط است. تصویر ذهنی بدن به شدت باید آل‌های زیبایی مرتبط است. در واقع تصویر ما از بدن‌مان تحت تأثیر اطلاعاتی است که روزانه درباره آن چه زبیا و جذاب است و آن چه زیبا و جذاب نیست، دریافت می‌کنیم. امروزه رسانه‌ها به ما می‌گویند که ظاهر ما باید چگونه باشد. رسانه‌ها در جهت برقراری ارتباط بین ویژگی‌های شخصیتی افراد عمل می‌کنند. شخصیت‌های خوب در فیلم‌ها همیشه از زیبایی خاصی برخوردارند. شخصیت‌ها هر چه قدر بیشتر باهوش و نقش مثبتی داشته باشند؛ خوش



آذر فخری، روزنامه‌نگار

بیا باید ماجرای «خود» مان را با یک پرسش شروع کنیم: به نظر شما، فردی که روی بدنش خال کوبی می‌کند، چه منظوری از این کار دارد؟ بگذارید به این پرسش یک پرسش دیگر هم اضافه کنیم: چرا فردی، لباسی با عکس یا نماد خاصی روی پیش‌سینه‌اش انتخاب می‌کند و برای این انتخاب، حتی هزینه زیادی هم می‌دهد؟

به این دو پرسش، می‌توان پرسش‌های بسیار دیگری هم اضافه کرد، از مدل و رنگ موی خاص تا نوع ست کردن لباس با کفش و کیف و روسری تا ست کردن لباس با رنگ چشم با رنگ ماشین و... این پرسش‌ها، می‌توانند تا بد ادامه پیدا کنند. ما با «بدن» خود و لباسی که می‌پوشیم، این روزها، یک ابزار رسانه‌ای هستیم؛ بی‌آن که کلمه‌ای بر زبان بیاوریم با انتخاب چاق یا لاغر بودن مان و نوعی پوشش، درباره سلیقه‌ها و ایده‌های مطلوب خود، به دیگران پیام می‌دهیم. اما البته در انتخاب استایل بدن و پوشش خود، این تنها خودمان نیستیم که تصمیم می‌گیریم. خودآگاه یا ناخودآگاه، خودما هم تحت تأثیر نگاه دیگران و انتخاب‌ها و قضاوت‌هایشان قرار می‌گیریم.

در واقع «بدن» امروز دیگر صرفاً یک سوزه برای علوم زیستی و مطالعات پزشکی نیست. امروز بدن موضوعی

یادداشت

تامین اقتصادی و اجتماعی زنان برای برون رفت از گرداب مهریه

آسیه ویسی

ماجرای مهریه در کشور ما دارد برای خودش به یک معضل بزرگ اجتماعی تبدیل می‌شود؛ از سویی خانواده دختر و البته گاهی نه خود دختر، با تعیین و تحمیل مهریه‌های سنگین، به زعم پایدارتر کردن زندگی خانوادگی، باز دواج دختر موافقت می‌کنند و از سویی با به هم ریختن اوضاع اقتصادی و به تبع آن با سست شدن تعهدات و پایبندی‌های اخلاقی، به اجرا گذاشتن مهریه از سوی زنان شدت گرفته و موجب به هم ریختن نظم و سیاق و آرمش خانوادگی شده است.

نکته این جاست که زنان ما، به حق، خواهان حقوق برابر با مردان هستند و این نیت، حتی اگر جامعه و سنت و شرع در مقابل آن مقاومت کنند، در نهایت برآورده خواهد شد. اما همین زنان برابر طلب، پای مهریه که به میان می‌آید، اصلاً و ابداً پا را پس نمی‌کشند و از خواسته خود بر نمی‌گردند. پرسش اساسی این جاست که چرا زنان ما و خانواده‌هایشان تا این حد بر سر مهریه چانه‌زنی می‌کنند و بلواراه می‌اندازند؟ در احادیث و روایات متعددی داریم که خوب است و گاه حتی لازم است که دختران و زنان، حرفه‌ای بیاموزند؛ حالا در زمانی بنا به شرایط این

حرفه‌ها صرفاً فانه نبوند، مثل خیاطی، بافندگی فرش و گلیم، سبب بافی، گاهی سفال‌گری و... در پی این روایات هم البته روایاتی داریم مبنی بر این که درآمد زن از کاری که انجام می‌دهد، متعلق به خود اوست و همسرش، بر آن حقی ندارد. همین تأکید بر حرفه‌آموزی زنان و درآمدزایی از آن حرفه، نشان می‌دهد در اسلام هم به استقلال مالی زنان اهمیت داده شده است، چرا که بنابر تفاسیر، در صورت بیوه شدن زن، او به تسلط بر یک حرفه، از کمک‌های دیگران و وابستگی به آنان، بی‌نیاز می‌شود و می‌تواند استقلال و فردیت خود را حفظ کند.

متأسفانه اتفاقی که در جامعه مادر طول تاریخ افتاده این است که زنان، نه فقط از نظر عاطفی در ورطه مهر طلبی بیمارگونه افتاده‌اند و خودا تکایی عاطفی کم یا حتی بی‌بهره‌اند، بلکه از نظر مالی هم به شدت و مطلقاً به همسران خود وابسته شده‌اند؛ این وابستگی رفته رفته، به صورت وظیفه‌ای برای مرد به حساب آمده و هر وقت مردی نتوانسته بنا به هر دلیلی از عهده مخارج همسرش بر بیاید، مسأله به مراجع حقوقی کشانده شده است.

سخن این است که اگر حمایت‌های اجتماعی و اشتغال‌زایی برای زنانی که امروزه از تحصیلات مناسب و بالایی برخوردارند، وجود داشته باشد و زنان بدانند که در صورت متار که با فوت همسر، می‌توانند گلیم خود را از آن متلاطم اقتصاد بیرون بکشند، بازی شکنجه‌آور مهریه

هم شکل فعلی خود را از دست خواهد داد. اما مشکل اساسی جامعه ما و لا بیکاری مغرط به خصوص در زمینه اشتغال زنان است و دوم اهمیت ندادن به حقوق حتی شرعی زنان در زمینه کار و حرفه‌آموزی است به طوری که برخی همسران چنان از اختیارات خود استفاده و حتی سوءاستفاده می‌کنند و همسر خود را در خانه، محدود و محصور می‌کنند که برای زن، چاره‌ای جز توسل به مهریه باقی نمی‌ماند. در واقع زنان ما، مهریه نمی‌خواهند، آزادی انتخاب و تأمین اجتماعی می‌خواهند.

شاید وقت آن رسیده است که بپذیریم برای تأمین یک زندگی سعادتمندانه، زنان نیز باید به همان نسبت مردان، از استقلال و برابری اجتماعی و اقتصادی بر خوردار باشند و بار این مسئولیت را هر دوا بهم بردوش بکشند.